

ماآجها

پژوهه‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ملاک تعیین سال خمسی (مجموعی، استقلالی یا شغلی)

محمد رضایی^۲

ماآجها
پژوهه‌های فقهی

ملاک تعیین سال خمسی (مجموعی، استقلالی یا شغلی)

چکیده

فقیهان متقدم اساساً اشاره‌ای به آغاز و انجام سال خمسی نداشته‌اند. در میان متأخران نیز برخی به لزوم تعیین یک سال خمسی برای مجموع سودها و درآمدها، و برخی به تخییر مکلف بین تعیین یک سال خمسی و یا ملاحظه سال‌های خمسی متعدد برای هر سود به صورت استقلالی باور پیدا کرده‌اند. گروهی دیگر نیز ملاحظه هر شغل را در تعیین سال خمسی دخیل دانسته‌اند. اشهر اقوال در بین متأخران، نظریه اول است و در رد نظریه «سال استقلالی» گفته شده که این نظریه منجر به عسر و حرج و بی‌انضباطی در حساب و کتاب است و عادتاً اجرای آن امکان ندارد. در تحقیق حاضر، از میان فتاوی امامیان، پنج دیدگاه کلان شماره شده است. پس از بررسی ثمره و ادله این باورها، به نظر می‌رسد که با توجه به اطلاق دلیل «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَوْتَةِ» مکلف

تاریخ دریافت: ۴۰۱/۳/۲۸
تاریخ تأیید: ۴۰۲/۳/۲۷
mrimi65@yahoo.com

۲. دانش پژوه دوره خارج مدرسه فقهی امام محمدباقر (ع).
۱. تاریخ دریافت: ۴۰۱/۳/۲۸

مخیر است هر روش را که خواست انتخاب کرده و حتی بین آنها تلفیق نماید.
واژگان کلیدی: خمس، سال خمسی مجموعی، سال خمسی استقلالی،
مئونه، مبدأ سال خمسی، ارباح مکاسب.

مقدمه

از موارد وجوب خمس در میان امامیان، خمس سود حاصل از کسب یا «خمس ارباح مکاسب» است؛ یعنی هرکس که از کسبی مشروع، سودی عایدش شود، باید خمس آن را بعد از بیرون کشیدن مئونه اهل و عیالش پرداخت نماید. روشن است که محاسبه مئونه نیازمند بازه‌ای از زمان است. اگرچه اصل وجوب خمس در ارباح مکاسب و استثنای مئونه از آن، در روایات متعدد مورد اشاره قرار گرفته است^۱ اما در روایات، اشاره روشنی به این بازه زمانی نشده است^۲. به هر حال گفته شده است که تسالم فقیهان امامیه بر این بوده که این بازه زمانی را یک سال حساب می‌کنند و بر لزوم آن به ادله‌ای استناد کرده‌اند.^۴ در این پژوهش فارغ از بررسی این اجماع، فرض بر این گذاشته شده است که بازه زمانی محاسبه مئونه، یک سال است؛ اما مسئله مورد پژوهش این است که این سال خمسی را چگونه باید لحاظ نمود؟ آیا هر سودی که به دست می‌آید یک سال خمسی مستقل می‌طلبد؟ یا باید برای هر شغل یک سال خمسی معین نمود؟ و یا برای مجموع درآمدها و مشاغل، یک روز را به عنوان سال خمسی معین نمود؟ در این زمینه باورهای مختلفی مطرح است که در پژوهش پیش رو به همراه ادله‌شان مطرح و نقد خواهند شد.

آنچه که اهمیت پرداختن به این مسئله را مضاعف می‌کند، ثمره عملی مترتب بر هر قول است. البته این مسئله روشن است که طبق دیدگاهی که باید برای مجموع درآمدها یک سال خمسی معین نمود (سال مجموعی)، حتی اگر چند روز مانده به پایان سال خمسی، سود هنگفتی نصیب مکلف شود، نمی‌تواند منتظر بماند که یک سال از آن بگذرد، بلکه در آن

ماهنامه
پژوهش‌های فقهی

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، صص ۴۸۳ و ۴۸۴.

۲. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۲، ص ۳۵۳؛ مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۲۹۹.

۳. البته ممکن است برخی متبادر از اطلاعات کسر مئونه را مئونه یک سال بدانند؛ ولی به هر حال اشاره روشنی به این بازه زمانی نشده است.

۴. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۲، ص ۳۵۳؛ مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۲۹۹.

چند روز باقیمانده می تواند هرآنچه را در مئونه و مخارج زندگی لازم است خرج نموده و با فرارسیدن سال خمسی، باید خمس باقیمانده آن را پرداخت نماید، ولی براساس دیدگاه سال استقلالی می تواند منتظر بماند که از آن درآمد هنگفت یک سال بگذرد و سپس خمس آن را محاسبه کند. اما بخشی از ثمره چندان روشن نیست! در ابتدا به نظر می رسد هرکس قائل به نظریه اول (سال مجموعی) شد، قاعدتاً جانب احتیاط را رعایت کرده و به طریق اولی اجازه دارد که خمس اموال خود را براساس نظریه دیگر یعنی نظریه ای که برای هر ربیع، سالی مستقل قرار می دهد (سال استقلالی) محاسبه کند، اما بادقت بیشتر در مسئله روشن می شود که حتی از این لحاظ هم بین دو دیدگاه ثمره عملی وجود دارد و هیچ کدام از این دو دیدگاه موافق احتیاط تام نیست. بحث از ثمره، مفصلاً در متن پژوهش، بررسی خواهد شد.

پیشینه

مسئله وجوب خمس اجمالاً در تمام فرق اسلامی مطرح است، ولی تعلق خمس به «ارباح مکاسب» یا سود حاصل از کسب، از اختصاصات فقه امامیه است و عامه آن را واجب نمی دانند. همچنین تسالم فقیهان امامی بر این است که لزوم پرداخت این خمس، بعد از کسر مئونه سالانه فرد و اهل و عیالش است؛ اما در چگونگی محاسبه آغاز و انجام این سال خمسی، اختلافاتی وجود دارد. امامیان متقدم، اساساً این فرع را بررسی نکرده اند و به همین مقدار که معیار در بیرون کشیدن مئونه، «سنة» یا یکسال است، اکتفا نموده اند. طبق بررسی ای که در این زمینه صورت گرفت، شهید اول در دروس^۱ اولین فقیهی است که به این فرع فقهی پرداخته است و بعد از ایشان، عمدتاً فقیهان به این مسئله متعرض شده اند.

در این موضوع مقاله ای نیز مشاهده نشد، جز مقاله ای به قلم آقایان کیخا و قادری.^۲ این مقاله اشکالاتی را به فتوای فقیهان در تعیین «سنة» در محاسبه مئونه مطرح نموده و براساس آن، به فتوای مشهور، یعنی تعیین یک سال خمسی برای مجموع سودها، اشکالاتی مطرح نموده است.

۱. شهید اول، الدروس، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. کیخا و قادری، «نقد و تحلیل دیدگاه مشهور در تعیین سال خمسی و دوره زمانی کسر مئونه از ربیع»، فقه و

اصول، شماره ۱۱۹، صص ۷۵-۹۲.

از ویژگی‌های پژوهش حاضر، می‌توان به گردآوری تمام نظرات در مسأله، بررسی و نقد ادله، و بیان دیدگاه مختار اشاره نمود.^۱ خصوصاً که در منابع فقهی، عمدتاً به ادله دیدگاه اول و دوم، و یا نهایتاً به ادله چهار دیدگاه اشاره شده است.^۲ همچنین دیدگاه مختار این پژوهش نیز در بین فتاوی‌ای قبل وجود نداشت.^۳ در نهایت، نقد پژوهش حاضر به تمام کسانی که روش محاسبه مجموعی^۴ را غیر معارض با روایات باب می‌دانند، به همراه پاسخ و حل آن، در جای دیگر نیامده است.

مفهوم‌شناسی

«سال خمسی مجموعی» بدین معناست که یک روز در سال به‌عنوان مبدأ سال خمسی^۵ برای مجموع درآمدهای سالانه تعیین گردد؛ یعنی مکلف باید همه‌ساله در آن روز، مجموع درآمدهای آن سال را محاسبه، و پس از کسر مجموع نمونه‌های سال، یک‌پنجم مازاد را به‌عنوان خمس پرداخت نماید.^۶

۱. در مسئله تعیین سال خمسی از لحاظ تعدد و وحدت، پنج دیدگاه به دست آمد؛ اما با احتساب دو فتوایی که به واسطه تک قائلی بودن، مستقل بیان نشده و ذیل دیدگاه پنجم مطرح شدند، مجموعاً هفت فتوی به دست آمد.
۲. شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، صص ۲۰۱ تا ۲۱۶.
۳. البته همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، طبق نقل آقای شهیدی از خود آقای تبریزی، ایشان نیز به همین نظر باور داشت؛ ولی این فتوا در آثار فتوایی ایشان منعکس نشده است.
۴. درباره چستی روش مجموعی، به تفصیل ذیل دیدگاه اول توضیح داده شده است.
۵. اصطلاح سال خمسی یا «السنة الخمسية»، در منابع فقهی متقدم شیعه و آثاری چون جواهر الکلام، عروة الوثقی و تحریر الوسیله وجود ندارد. بر اساس بررسی‌ای که در نرم افزار جامع فقه نور از این دو واژه به دست آمد، قدیمی‌ترین منبعی که یکی از این واژگان در آن یافت شد، رساله توضیح المسائل امام خمینی (به عنوان مثال: ص ۳۶۴) و استفتانات ایشان (به عنوان مثال: ج ۱، ص ۳۴۸) بود. البته این جستجو بر اساس سال نشر کتاب نبوده، بلکه بر اساس سال نگارش بود. به عنوان مثال وقتی امام خمینی در سال ۱۴۰۹ ق فوت کرده‌اند، قاعدتاً نگارش آن کتاب قبل از ۱۴۰۹ ق است؛ اگرچه که سال چاپ کتاب بعد از آن بوده باشد.
۶. اصطلاحات سال خمسی مجموعی و استقلالی و شغلی در کلام فقیهان چندان معنون نشده است و معمولاً بدون استفاده از این اصطلاحات، مفهوم آن را در فتاوا توضیح می‌دهند. در عین حال اصطلاح «السنة المجموعیة» در آثار محقق تبریزی (تبریزی، صراط النجاة، ج ۱۰، ص ۱۹۱)، سید کاظم حائری (حائری، فتاوی فی الاموال العامة، ص ۷۵)، سید محمد مهدی موسوی خلخالی (خلخالی، فقه الشیعة - کتاب الخمس، ج ۲، ص ۱۷۴) و محقق شاهرودی (هاشمی شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۱۲) استفاده شده است.

«سال خمسی استقلالی» بدین معناست که یک سال خمسی مستقل برای هرکدام از درآمدها لحاظ گردد؛ یعنی مکلف پس از تحصیل هر سود و درآمد، یک سال فرصت دارد که آن را در مخارج خود و اهل و عیالش خرج نماید، و آنچه که پس از گذشت یک سال از این درآمد اضافه آمد، باید یک‌پنجمش را به‌عنوان خمس پرداخت نماید. در این شیوه به تعداد درآمدهای حاصل، سال خمسی وجود دارد.

«سال خمسی شغلی» بدین معناست که یک سال خمسی مستقل برای هرکدام از مشاغل در نظر گرفته شود؛ مثلاً فردی که دو شغل دارد، یک سال خمسی برای شغل اول، و یک سال خمسی هم برای شغل دوم داشته باشد و درآمدها و مخارج هرکدام را جداگانه محاسبه کند. «ارباح مکاسب» به معنای سودهای به‌دست آمده از کسب و کار است.^۱ بر پایه فقه شیعه واجب است یک‌پنجم درآمدهای حاصل از کسب و کار، پس از کم کردن مخارج و هزینه‌های سالانه، به‌عنوان «خمس ارباح مکاسب» پرداخت شود، در حالی که فقیهان اهل سنت معتقدند سود حاصل از کسب و کار خمس ندارد.

باورهای فقیهان

در این مسئله سه دیدگاه عمدهٔ مجموعی، استقلالی و تخییر مشاهده می‌شود؛ که دیدگاه تخییر خود به سه نظریه منحل می‌شود. بنابراین مجموعاً با پنج دیدگاه مواجهیم. دیدگاه اول و سوم بیشترین فراوانی را در بین فقیهان دارند. دربارهٔ دیدگاه دوم نیز ادعا شده است^۲ قائلانی وجود دارند که با بررسی‌های تکمیلی به نظر می‌رسد چنین نباشد.

دیدگاه نخست؛ سال خمسی مجموعی

براساس این دیدگاه که اشهر اقوال است، باید برای مجموع سودهایی که برای مکلف حاصل می‌شود، یک سال خمسی قرار داد و مکلف مجاز نیست برای هر سودی مستقلاً یک سال خمسی، و یا برای هر شغلی یک سال خمسی قرار دهد.

۱. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۱؛ درس خارج خمس آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، سال دوم، جلسه ۱۹۷.

در میان متأخران، شهید اول در دروس، قائل به همین دیدگاه است. شهید به‌عنوان فقیهی که ظاهراً برای اولین بار به این فرع فقهی پرداخته، می‌گوید: «و لا يعتبر الحول في كل تكسب، بل يبتدئ الحول من حين الشروع في التکسب بأنواعه، فإذا تم خمس ما فضل...»^۱. همچنین صاحب مدارک و صاحب حدائق نیز بر همین باورند.^۲

محقق نراقی نیز، احتساب استقلالی را موجب مشقت، و خلاف اجماع و سیره مردم، و باور به سال مجموعی را به خاطر منضبط بودن و عدم خلط سودها با یکدیگر، اقوی می‌داند.^۳ در بین معاصرین نیز صاحب جواهر و سید یزدی قائل به همین دیدگاه شده‌اند.^۴ سید محسن حکیم نیز ضمن تأکید بر همین باور، تنها صورتی را استثنا می‌کند که مکلف با حاکم شرع درباره تعداد سال‌های خمسی و کیفیت توزیع مؤنه مشترک، بر سودهای سابق مصالحه نماید.^۵

آقایان محقق داماد، سید محمد سعید حکیم، وحید خراسانی و خامنه‌ای نیز به همین نظر فتوا داده‌اند.^۶ آقای مکارم شیرازی نیز این دیدگاه را مانند سید یزدی و بسیاری از محشین عروه، اقوی می‌داند.^۷

دیدگاه دوم؛ سال خمسی استقلالی

در این دیدگاه، باید برای هر سود به صورت مستقل، یک سال خمسی تعیین نمود؛ یعنی کسی که یک سود را در اول فروردین به دست آورده و دومی را در اول شهریور، دو سال

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. شهید اول، الدروس، ج ۱، ص ۲۵۹.
۲. «و في استفادة ما ذكره من الأخبار نظر. و لو قيل باعتبار الحول من حين ظهور شيء من الربح ثم احتساب الأرباح الحاصلة بعد ذلك إلى تمام الحول وإخراج الخمس من الفاضل عن مؤنة ذلك الحول كان حسناً.» (موسوی عاملی، مدارک الأحكام، ج ۵، ص ۳۹۱)؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۲، ص ۳۵۴.
۳. نراقی، مستند الشيعة، ج ۱۰، ص ۸۰.
۴. نجفی، جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۸۱؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۲.
۵. حکیم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۶۵. درباره کیفیت توزیع، ذیل دیدگاه دوم توضیح داده شده است.
۶. داماد، کتاب الخمس، ص ۳۲۵؛ حکیم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۱۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۳۴۴؛ خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، ص ۹۶۴.
۷. «و ظاهر العروة كجماعة كثيرة من المحشین هو القول الأول وهو الأقوی.» (مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۱).

خمسى دارد كه يكى از فروردين امسال آغاز، و به فروردين سال آينده پايان مى يابد، و ديگرى از شهريور امسال آغاز، و به شهريور سال بعد پايان مى يابد. براساس اين ديدگاه، مكلف نمى تواند براى مجموع سودهاى خود يك سال خمسى معين نمايد و متعيناً بايد براى هر منفعت، يك سال را در نظر بگيرد.

براساس ديدگاه يادشده و ديدگاه سوم، اين پرسش مطرح مى شود كه مئونه ماههاى مشترك ميان دو سال را بايد چگونه حساب كرد؟ در مثال مذكور، اگر مئونه فرد يك ميليون تومان در مهرماه باشد، آن را بايد از كدام يك از دو سود كسر نمايد؟ سود فروردين يا سود شهريور؟ ناگفته پيدا است كه مكلف اگر آن مئونه را از يك ميليون تومان سود فروردين كسر نمايد، در فروردين ماه سال آينده لازم نيست خمسى پرداخت نمايد؛ ولى اگر آن را از سود شهريور كسر نمايد، در فروردين آينده بايد يك پنجم از باقىمانده سود فروردين گذشته را به عنوان خمس پرداخت نمايد.

فروض فراوانى در مسئله قابل تصور است، ولى در بيان ديدگاه سوم روشن خواهد شد كه غالباً دانشمندان متعرض اين فرع نشده اند، و برخى هم گفته اند بايد مئونه مشترك، بين سودهاى گذشته تقسيم شود؛^۱ يعنى در مثال مذكور، يك ميليون توماني كه مئونه فرد در مهرماه بوده، بايد پانصد هزار تومانش از سود فروردين، و پانصد هزار تومان ديگر از سود شهريور كسر شود. از اين رو شخص بايد در فروردين ماه سال آينده، خمس پانصد هزار تومان، و در شهريورماه هم خمس پانصد هزار تومان شهريور را محاسبه نمايد.

در مجموع از اطلاق بيان فقيهان متأخر كه معمولاً به مسئله كيفيت توزيع تعرضى نداشته اند به نظر مى رسد، مكلف را آزاد گذاشته اند تا مئونه خود را از هر كدام از سودهاى سابق كه تمايل داشت كسر نمايد.^۲ در رابطه با قائلان ديدگاه دوم، در بين دانشمندانى كه آراى آنان گردآورى شد، به دو نفر نسبت داده شده كه به اين نظر باور دارند كه با بررسى هاى تكميلي به نظر مى رسد چنين

مباحثات
پرونده هاى قضائى

ملاك تعيين سال خمسى (مجموعى، استثنائى يا شغلى)

۱. نجفى، كشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۰۹؛ حكيم، منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. اين مطلب را از دفتر آيت الله سيستانى به صورت تلفنى نيز جويبا شديد و ايشان نيز چنين شرطى را براى توزيع مئونه بين ارباب متقدمه لازم نمى دانستند.

نسبت‌هایی صحیح نباشد.

با توجه به بیان شهید ثانی در شرح لمعه^۱، باور به این نظر به ایشان نسبت داده شده است^۲، ولی با بررسی بیان دیگری از ایشان در مسالک به نظر می‌رسد که ایشان به صورت تخییری اجازه داده تا برای هر سودی سالی تعیین شود، نه به صورت تعینی:

«و إنما يعتبر الحول بسبب الربح فأوله ظهور الربح فيعتبر منه مئونة السنة المستقبلية و لو تجدد ربح آخر في أثناء الحول كانت مئونة بقية حول الأول معتبرة منهما، و له تأخير إخراج خمس الربح الثاني إلى آخر حوله، و يختص بمئونة بقية حوله بعد انقضاء حول الأول و هكذا...»^۳.

از کلام محقق خویی در موسوعه^۴ نیز چنین برداشت کرده‌اند^۵ که ایشان قائل به همین دیدگاه دوم است؛ ایشان بیان می‌کند که ظاهراً کلام شهید ثانی صحیح است که هر سودی به صورت مستقل موضوع یک سال خمسی است^۶. ولی با بررسی در سایر آثار ایشان و دقت بیشتر در ادامه همان کتاب مشخص شد که نظر ایشان در مقام افتاء متفاوت است؛ چراکه ایشان می‌گوید: همان‌طور که جایز است مکلف برای تمام انواع کسب و کار یک سال خمسی معین کند، همچنین بر او جایز است که برای هر سودی، یک سال مستقل قرار دهد^۷. از این رو محقق خویی را باید در زمره قائلان به دیدگاه سوم قلمداد نمود.

دیدگاه سوم؛ تخییر بین مجموعی و استقلالی

در این باور، مکلف در تعیین سال خمسی مستقل یا مجموعی مخیر است؛ ولی نمی‌تواند بین دو روش تلفیق کند و مثلاً برای مجموع سودهایش، غیر از سود کلانی که روزهای آخر

۱. شهید ثانی، الروضة البهية (المحشى - کلانتر)، ج ۲، ص ۷۸.
۲. مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۱.
۳. شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۴۶۸.
۴. خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲۵، ص ۲۴۵.
۵. شبیری، تقریر درس خارج خمس، سال دوم، جلسه ۱۹۷.
۶. «فالظاهر أن ما ذكره الشهيد الثاني من أن كل ربح موضوع مستقل و له سنة تخصه و تستثنى مئونة السنة عن كل ربح بالإضافة إلى سنته هو الصحيح». (خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲۵، ص ۲۴۵).
۷. یزدی، العروة الوثقى مع التعليقات، ج ۲، ص ۲۳۱.

نصبش می‌شود، یک سال خمسی تعیین کند و برای آن سود کلان هم یک سال خمسی مستقل تعیین نماید. این دیدگاه در واقع تخییر بین دیدگاه اول و دوم است و از لحاظ فراوانی، بعد از دیدگاه اول، بیشترین قائل را دارد.

عدم جواز تلفیق بین دو روش، مطلبی است که قاعداً از سکوت قائلان تخییر بین دو روش فهمیده می‌شود، ولی آقای هاشمی شاهرودی نیز به آن تصریح نموده است.^۱ این علی‌القاعده بودن نیز روشن است؛ چراکه ایشان صرفاً لزوم استفاده از یکی از دو روش را به صورت تخییری بیان نموده‌اند، و مکلف با تلفیق دو روش، هم از طرف اول تخییر تخطی کرده است و هم از طرف دوم!

ذیل دیدگاه دوم توضیح داده شد از میان متأخران، شهید ثانی، با اینکه برخی ادعا کرده‌اند از قائلان به دیدگاه دوم است، اما با بررسی بیان ایشان در مسالک مشخص شد ایشان در زمره قائلان به دیدگاه سوم است. در بین معاصرین، سید ابوالحسن اصفهانی می‌گوید کسی که چند شغل دارد، برای مجموع سودهای خود یک سال خمسی لحاظ کند و لازم نیست برای هر سود یک سال خمسی معین نماید.^۲ این بیان ایشان ظاهر در این است که روش سال خمسی استقلالی برای هر سود را نیز جایز می‌دانسته‌اند. شهید صدر نیز در حاشیه بر منهاج الصالحین محقق حکیم صراحتاً قائل به تخییر شده است.^۳ همچنین بیان شد که آقای هاشمی شاهرودی در کتاب الخمس خود قائل به این دیدگاه است.^۴

دیدگاه چهارم: تفصیل بین صاحبان مشاغل و دیگران

قبل از بیان این دیدگاه، تذکر این نکته لازم است که دو دیدگاه وجود دارد که به واسطه تک قائلی بودن، در اینجا به‌عنوان دیدگاه مستقل بیان نشده‌اند؛ ولی برای تکمیل دیدگاه‌ها و

۱. «و هكذا ثبت صحة كلتا الطريقتين، و لكن لا يجوز التلقيق بينهما، بأن يلحظ المكلف قسماً من الأرباح مجموعياً فيستثنى منها جميع المؤمن في تلك السنة حتى الواقعة بين الربحين، و يلحظ لخصوص الربح الأخير سنةً مستقلةً فيستثنى منه حتى المؤمن الواقعة بعد السنة المجموعية». (شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۱۴).

۲. اصفهانی، وسیلة النجاة (مع حواشی الغلایگانی)، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. حکیم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۶۴.

۴. شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۱۴.

همچنین برای فهم بهتر باورهای بعدی بیان می‌شوند: یکی دیدگاه محقق گلپایگانی است که می‌گوید: هم می‌تواند برای هر شغلی یک سال خمسی لحاظ کند (البته مشروط به اینکه حساب و کتاب جدا داشته باشند و ضرر یکی را با سود دیگری جبران ننماید)، و هم می‌تواند برای مجموع مشاغل و درآمدها یک سال خمسی لحاظ نماید^۱؛ یعنی تخییر بین مجموعی و شغلی. همچنین آقا ضیاء عراقی بر این باور است که اگر کسی چند شغل داشته باشد، لزوماً باید برای هر کدام، سال خمسی مختص به خود قرار دهد^۲؛ یعنی به صورت مشخص باید سال خمسی شغلی داشته باشد.

اما دیدگاه چهارم، تفصیل بین صاحبان مشاغل، با افرادی است که به صورت اتفاقی درآمدی نصیبشان می‌شود؛ امام خمینی بر فتوای تخییر بین سال خمسی مجموعی و شغلی (همان دیدگاه محقق گلپایگانی)، این مطلب را اضافه کرده‌اند که اگر فردی شغل نداشته باشد و به صورت اتفاقی درآمدی نصیبش شود، باید سال خمسی خود را یک سال بعد از آن درآمد اتفاقی قرار دهد^۳؛ یعنی فردی با چنین شرایطی باید به صورت مستقل برای هر سود، یک سال خمسی قرار دهد. آقای سیستانی نیز بر فتوای تخییر بین سال مجموعی و شغلی، مشابه همان مطلب امام را افزوده؛ با این تفاوت که وظیفه فرد فاقد شغل را به صورت تخییری گفته‌اند نه تعیینی. یعنی فرد فاقد شغل، هم می‌تواند برای هر سود، به صورت مستقل یک سال خمسی قرار دهد، و هم می‌تواند برای مجموع درآمدهایش یک سال خمسی معین کند^۴.

دیدگاه پنجم: تخییر بین استقلالی و مجموعی و شغلی
آقایان تبریزی و فیاض کابلی بر این باورند که هر سودی یک سال خمسی دارد؛ ولی مکلف می‌تواند برای مجموع سودها یک سال خمسی قرار دهد؛ همچنان که می‌تواند برای هر شغلی یک سال خمسی معین نماید.^۵

۱. یزدی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. یزدی، العروة الوثقی (المحشی)، ج ۴، ص ۲۸۲.

۳. خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۶؛ همو، توضیح المسائل، ص ۳۶۷.

۴. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۹۸؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، احکام خمس مسأله ۱۷۸۲، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، sistani.org.

۵. تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱؛ فیاض، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۵.

گمان نشود که فتوای آقای سیستانی نیز تخییر بین استقلالی و مجموعی و شغلی است؛ چراکه ایشان برای شاغلین، فقط قائل به تخییر بین مجموعی و شغلی است و اجازه استقلالی را نمی‌دهد؛ اگرچه که برای غیرشاغلین به تخییر بین استقلالی و مجموعی باور دارد (سال خمس شغلی نیز که برای غیرشاغل موضوعاً منتفی است).

دست‌آورد رویکردهای مختلف در مسئله

با بیان ثمره بین دو دیدگاه اصلی، یعنی سال مجموعی و سال استقلالی، ثمرات سایر دیدگاه‌ها نیز روشن خواهد شد. این روشن است که براساس دیدگاه سال مجموعی، حتی اگر چند روز مانده به پایان سال خمس، سود هنگفتی نصیب مکلف شود، نمی‌تواند منتظر بماند که یک سال از آن بگذرد؛ بلکه در آن چند روز باقیمانده می‌تواند آنچه را در مئونه و مخارج زندگی لازم است، خرج نموده و به محض فرارسیدن سال خمس، خمس باقیمانده آن را باید پرداخت نماید؛ ولی براساس دیدگاه سال استقلالی می‌تواند منتظر بماند که از آن درآمد هنگفت یک سال بگذرد و سپس خمس آن را محاسبه کند.

باید دانست که بخشی از ثمره چندان روشن نیست و نیاز به توضیح دارد؛ در ابتدا به نظر می‌رسد هرکس قائل به نظریه سال استقلالی شود و برای هر سودی، سالی را معین کند، قاعدتاً به طریق اولی باید اجازه داشته باشد که برای مجموع سودها یک سال خمس تعیین کند؛ چراکه روش دوم موافق با احتیاط است. اما بادقت بیشتر در مسئله روشن می‌شود که حتی از این لحاظ هم بین دو دیدگاه، ثمره عملی وجود دارد و هیچ‌کدام از این دو دیدگاه موافق احتیاط تام نیستند. آن ثمره این است که اگر سودها را به صورت استقلالی لحاظ نموده و برای هر سودی سال مستقلی را در نظر بگیریم، مئونه را فقط می‌توانیم از سودهای متقدم کسر کنیم و مئونه‌های قبل از یک سود را نمی‌توان از سودهای پس از آن کسر نمود؛

۱. منظور از مئونه قبل از یک سود این است که مثلاً شخصی مبلغی را قرض گرفته و خرج مئونه کرده است و بعد از آن سودی از کسب و کارش به دست می‌آورد؛ بحث این است که آیا می‌تواند آن مئونه متقدم را از این سود متأخر کسر نماید یا خیر؟ یعنی حتی اگر قصد پرداخت بدهی خود را نیز نداشته باشد باز بتواند مئونه متقدم را از سود جدید کسر نماید، و الا اگر بدهی خود را بعد از دریافت سود بدهد که عرفاً پرداخت بدهی، خرج در مئونه بعد از سود حساب می‌شود و نیازی نیست مئونه متقدم را از سود متأخر کسر نماییم.

ولی اگر همه سودها را به صورت مجموعی لحاظ کنیم و تنها یک سال خمسی برای همه قرار دهیم، می‌توانیم تمام مئونه‌هایی را که از اولین سود متأخر است، از تمام سودها کسر نماییم و دیگر لحاظ تقدم و تأخر نمی‌شود. در واقع طبق مبنای اول، مئونه هر سالی به سود همان سالی اختصاص دارد که در آن قرار دارد؛ ولی طبق مبنای دوم، همه سودها و مئونه‌هایی که از اولین سود متأخر هستند، به عنوان یک واحد مجموعی لحاظ می‌شوند و هرکدام را می‌توان از دیگری کسر نمود.^۲

به عنوان مثال شخصی که به دیدگاه مجموعی باور دارد، و اول فروردین را به عنوان سال خمسی خود تعیین نموده است، اگر در پایان اسفند یک میلیون تومان سود دریافت کند، و قبل از اسفند هم یک میلیون از شخصی قرض کرده بوده و در مئونه اهل و عیالش خرج نموده باشد، می‌تواند یک میلیون اسفندماه را از مبلغ بدهی خود کسر نماید (حتی اگر قصد پرداخت بدهی خود را تا اول فروردین نداشته باشد) و در ابتدای فروردین هیچ خمسی پرداخت ننماید؛ ولی بر اساس دیدگاه استقلالی، مخارج قبل از اسفند را نمی‌تواند از یک میلیون اسفندماه کسر نماید و باید منتظر بماند یک سال از اسفند بگذرد و در اواخر اسفند سال آینده اگر مبلغی از آن باقی مانده بود، خمس آن را حساب کند.

در واقع هرکدام از دو دیدگاه، از جهتی به نفع مکلف، و از جهت دیگر به ضرر مکلف است. طبق دیدگاه مجموعی، مکلف می‌تواند مئونه پیشین را از سود متأخر کسر، و طبق دیدگاه استقلالی می‌تواند سود حاصل در نزدیک سال خمسی را به مدت یک سال در مئونه خرج نماید و لازم نیست همان موقع خمسش را محاسبه کند. روشن است که اینها به نفع مکلف است و برای او یک مزیت حساب می‌شود؛ مزیتی که دیدگاه مقابل از آن محروم، و موجب ضرر برای مکلف است.

۱. شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ موسوی خلخالی، فقه الشیعة (الخمس)، ج ۲، ص ۱۶۳؛ شهیدی، صوت درس خارج آقای شهیدی، سال ۸۶-۸۵، جلسه ۱۸.
۲. قائلین به قول استقلالی نیز ممکن است در مورد ربح متوخر بگویند این درآمد جدید به خاطر آن مئونه متقدم واقعاً ربح به حساب نمی‌آید. قائلی بر این قول یافت نشد؛ ولی اگر کسی چنین برداشتی از ربح داشته باشد، این ثمره برای او وجود نخواهد داشت. البته ناگفته نماند که واقعاً عرف به سود متأخر هم سود می‌گوید و می‌گوید سودت را باید خرج بدهیت کنی نه اینکه اساساً سودی کسب نکرده‌ای!

نقد و بررسی ادله دیدگاه سال مجموعی

می توان پنج دلیل بر دیدگاه نخست اقامه نمود که در ادامه بررسی می شوند.

دلیل یکم: متعارف بین عقلا و اهل عرف و همچنین شرکت ها و ادارات و حکومت ها چنین است؛ یعنی زمانی که می خواهند سود و مخارج خود را محاسبه کنند، مجموع مصارف و کسری بودجه و منفعت سالیانه را در پایان یک سال کاری محاسبه نموده و مبلغ اضافه را سود خالص می دانند. از این رو اطلاق سخن معصوم که «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَثُونَةِ»^۱ انصراف به همین امر متداول و رایج بین عقلا دارد.^۲

البته اگر در روایات، اصطلاح «مئونة السنة» آمده بود، شاید چنین انصرافی جا داشت؛ ولی با توجه به اینکه در روایت فقط بیان شده است: «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَثُونَةِ» و قید «سنة»، یا از تسالم فقیهان فهمیده شده است^۳ و یا از روایت دیگر، ادعای چنین انصرافی در روایت استثنای مئونه جایی ندارد.

دلیل دوم: سیره متشرعان در مسئله خمس بر همین شیوه است؛ یعنی مجموع مخارج سالانه خود را از مجموع سودهای سالانه کسر نموده و در یک تاریخ معین خمس خود را پرداخت می کنند. خصوصاً وقتی مشاهده می شود که بسیاری از آنها دارای انواع مختلفی از مشاغل و راه های کسب درآمد هستند و اگر بنا بود برای هر شغل یا هر سودی یک سال خمسی داشته باشند، با توجه به کثیرالابتلاء بودن مسئله، مشهور و آشکار می شد.^۴ از این رو صاحب جواهر می گوید: گویی مشخص است که چنین مسئله ای (مجموعی نبودن سال خمسی) در سیره و عمل متشرعان وجود ندارد.^۵

اما باید در نظر داشت که سیره متشرعانی که امروز مشاهده می شود، چه بسا به واسطه

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۰، ح ۱۲۵۷۹.

۲. مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۱.

۳. «إنّ المعروف المشهور تقييد المئونة بالسنة مع اعترافهم بأنّ هذا القيد لم يرد في شيء من روایات الباب، و قد صرح بكون المسألة اجماعية المحقق الأردبيلي في مجمع الفائدة و صاحب المدارك فيما عرفت من كلامه». (مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۱).

۴. مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس، ص ۳۳۲.

۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۸۱.

فتوای مشهور فقیهان باشد و این یک احتمال قابل توجه است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. استدلال به دلیل «لو كان لبان» هم صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا کسی که به دیدگاه مقابل باور دارد هم می‌تواند همین ادعا را مطرح نماید و بگوید اگر چنین بود که باید برای مجموع سودها یک سال خمسی تعیین نمود و مجبور بودیم حتی خمس سود کلانی که در روزهای آخر سال خمسی حاصل شده است و چند روز بیشتر از آن نگذشته و در آینده هم به آن نیاز شدید داریم را پردازیم، قاعدتاً باید بسیار مورد پرسش واقع می‌شد؛ و اگر چنین بود روشن می‌شد!

دلیل سوم: لحاظ استقلالی هر سودی برای محاسبه سال خمسی، مستلزم عسرو حرج شدید است، به حدی که عادتاً به متداول نبودن آن میان متشرعان علم حاصل می‌شود.^۱ البته چنین عسر و حرجی برای تجار و صاحبان مشاغل پردرآمد وجود دارد؛ ولی برای عموم مردم که درآمد روزانه و ماهانه‌شان در مدت زمان کوتاهی هزینه می‌شود وجود ندارد.^۲

دلیل چهارم: ظهور کلام معصوم در صحیح‌ه علی بن مهزیار:

«فَأَمَّا الْغَنَائِمَ وَالْفَوَائِدَ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ».^۳

ظاهر از عبارت «فِي كُلِّ عَامٍ» لحاظ مجموع فواید و غنائم به‌عنوان یک سال خمسی است.^۴ اینکه ادعا شود معصوم از این جهت در مقام بیان نبوده‌اند نیز مورد قبول نیست؛^۵ زیرا ظاهر «فِي كُلِّ عَامٍ» این است که در هر سال یک مرتبه اموال تخمیس می‌شد، باوجود آنکه می‌دانیم بسیاری از مردم منافع و مشاغل متعدد داشته‌اند.

البته نباید از یاد برد که حضرت در بخش قبلی این روایت می‌فرمایند در این سال (۲۲۰ق)، براساس اختیاراتی که به‌عنوان امام داشته‌اند، بر موالی خویش تخفیفاتی داده‌اند؛ ولی اموری مانند خمس غنائم و فواید را نیز بر همان حکم شرعی اولی باقی گذارده‌اند؛ بنابراین عبارت «فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ» در ادامه متن قبلی روایت می‌گوید خمس غنائم از تخفیفی که برای امسال بود خارج، و در همه سال‌ها واجب

۱. مکارم، أنوار الفقاهة - كتاب الخمس، ص ۳۳۳.

۲. شبیری، تقریر درس خارج خمس، سال دوم، جلسه ۱۹۷.

۳. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۲.

۴. مکارم، أنوار الفقاهة - كتاب الخمس، ص ۳۳۳؛ شاهرودی، كتاب الخمس، ج ۲، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۵. مکارم، أنوار الفقاهة - كتاب الخمس، ص ۳۳۳.

است.^۱ اما اینکه برای مجموع درآمدها یک سال خمسی قرار دهیم و یا برای هر درآمدی یک سال خمسی تعیین نماییم، از روایت به دست نمی‌آید و روایت کاری به این تفصیل نداشته و در مقام بیان آن نیست.

دلیل پنجم: ظهور کلام معصوم در مکاتبه همدانی که از حضرت پرسیده می‌شود که بین ما اختلاف شده که آیا خمس صرفاً بعد از کسر مخارج زمین کشاورزی است یا بعد از کسر مخارج فرد و اهل و عیالش، حضرت در پاسخ مکتوب فرمودند: «... بَعْدَ مَوْنَتِهِ وَ مَوْنَةِ عِيَالِهِ وَ بَعْدَ خَرَاكِ السُّلْطَانِ».^۲ خمس بعد از مئونه فرد و مئونه عیالش و مالیات سلطان است. از عطف مئونه فرد و عیالش به خراج سلطان، معلوم می‌شود که حکم طرفین عطف از نظر نحوه محاسبه زمان، یکی است و می‌دانیم که خراج سلطان، عادتاً به شکل سالی یک مرتبه محاسبه می‌شود.

این دلیل نادرست است؛ زیرا اولاً از چنین عطفی نمی‌توان مطمئن به یک ظهور شد؛ چه بسا حضرت نسبت به این جزئیات اصلاً در مقام بیان نبوده‌اند. ثانیاً بر فرض پذیرش این ظهور، صرفاً می‌توان جواز این روش از محاسبه را از کلام حضرت فهمید^۳ نه تعیین آن را.

نقد و بررسی ادله دیدگاه سال استقلالی

شاید مهم‌ترین دلیلی که می‌توان بر دیدگاه دوم ادعا نمود، عمومات و اطلاقاتی است که دلالت بر تعلق خمس به فرد فرد سودها و فواید می‌کنند. یعنی ادبیات ادله به گونه‌ای است که نشان می‌دهد به هر کدام از افراد سود، مستقلاً خمسی تعلق گرفته است^۴ که در ادامه به بیان این اطلاقات پرداخته می‌شود:

۱. آیه خمس که می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»^۵. تعبیر «مِنْ شَيْءٍ» دلالت بر عموم استغراقی برای تمام سودها دارد. خصوصاً با ملاحظه تفسیر آیه در

۱. شبیری، تقریر درس خراج خمس، سال دوم، جلسه ۱۹۷.

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۱.

۳. شاهرودی، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. موسوی خلخالی، فقه الشیعة - کتاب الخمس، ج ۲، ص ۱۶۵.

۵. سورة انفال، آیه ۴۱.

خبر حکیم که حضرت فرمودند: «هِيَ وَاللَّهِ الْإِفَادَةُ يَوْمًا بِيَوْمٍ»^۱.

۲. روایاتی که دلالت بر تعلق خمس به تمام سودها و استفاده‌ها می‌کنند؛ چه کم و چه زیاد. مانند موثقه سماعه که امام کاظم علیه السلام درباره خمس می‌فرماید: «فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ»^۲.

۳. خبر عبدالله بن سنان که امام صادق علیه السلام فرمودند حتی خیاطی که پیراهنی را به پنج دانق می‌دوزد، یک دانق آن [به‌عنوان خمس] برای ماست.^۳

از ادله فوق می‌توان دریافت که موضوع خمس، تک‌تک فواید و سودها، به صورت انحلالی است و دلیل استثنای مئونه از فواید و غنائیم، این موضوع را در همین حد قید می‌زند که این سودهای مستقل، از لحاظ استثنای مئونه، مقید به سال شده‌اند؛ اما اینکه باید مانند دیدگاه مجموعی، این فواید را با هم انضمام نمود و می‌توان برخی مئونه‌ها را از سودهایی که هنوز حاصل نشده‌اند کسر نمود (طبق مبنای مجموعی که مجموع سودها را یک سود و مجموع مخارج را هم یک مئونه به حساب می‌آورد)، قیدی دیگر است که نیازمند دلیل مستقل است.^۴

البته باید در نظر داشت که چنین استدلالی صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه حتی اگر بپذیریم ظهور ادله فوق، تعلق خمس به نحو انحلالی بر تک‌تک ارباح است، الزاماً چنین نیست که جهت کسر مئونه از ارباح نیز باید به نحو استقلالی به هر ربح نگریست؛ بلکه ممکن است طبق ادله وجوب خمس، تعلق خمس به ارباح انحلالی باشد؛ ولی از ادله کسر مئونه، فهمیده شود که نحوه محاسبه مئونه به صورت مجموعی و سالانه است. همان‌طور که در برخی ادله کسر مئونه^۵ از اصطلاح «مئونه الرجل» استفاده شده است و «مئونه فرد» هم براساس آن سالی محاسبه می‌شود که یک فرد شاغل، برای محاسبات کشاورزی و تجاری خود قرار می‌دهد، که این بیشتر با دیدگاه مجموعی سازگار است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۴.

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۵۰۳.

۴. خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲۵، ص ۲۴۳.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۴.

نقد و بررسی ادله دیدگاه تخییر بین مجموعی و استقلالی

وجهی که برای این دیدگاه می‌توان ادعا نمود این است که اطلاق دلیل «الخُمُسُ بَعْدَ الْمُؤَنَةِ» هم بر روش مجموعی و هم بر روش استقلالی صادق است. یعنی در هر دو صورت که مکلف برای مجموع سوده‌های خود یک سال خمسی معین کند، و یا برای هر سودی یک سال مستقل لحاظ کند، «الخُمُسُ بَعْدَ الْمُؤَنَةِ» صدق می‌کند.^۱ حتی پس از لحاظ قید «سنة» در این دلیل نیز هر دو روش صدق می‌کند.

در صورتی که ادعا شود دلیل مذکور با روایات دیگر تفسیر شده است، باید به این نکته توجه نمود که برخی روایات ظاهر در دیدگاه اول، و برخی دیگر ظاهر در دیدگاه دوم هستند و محذوری هم در اثبات و صحت هر دو طریقه وجود ندارد؛ زیرا تنافی ذاتی بین آنها نیست و لازمه عمل به دودسته روایات، باور به تخییر بین دو روش است.^۲ البته همان‌طور که توضیح داده شد، نمی‌توان بین دو روش تلفیق نمود؛ چراکه با تلفیق دو روش، از ادله هر دو طرف تخییر تخطی شده است!

در نقد این دلیل باید در نظر داشت که اگر روایات مورد ادعا واقعاً چنین ظهوری داشتند و برخی ظاهر در دیدگاه اول و برخی ظاهر در دیدگاه دوم بودند، این دیدگاه مبتنی بر قاعده، و صحیح بود؛ ولی همان‌طور که ذیل ادله دیدگاه اول و دوم بیان شد، ادله مورد ادعا، دلالتی بر هیچ‌کدام از دو روش ندارند.

نقد و بررسی ادله دیدگاه تفصیل بین صاحبان مشاغل و دیگران

در بیان دلیل بر این دیدگاه باید بر دو مطلب استدلال نمود؛ یکی بر جواز روش شغلی، و دیگری بر فتوایی که برای فاقد شغل، روش استقلالی را متعین می‌داند. اما درباره جواز روش شغلی می‌توان گفت: کسانی که مستندشان در جواز روش مجموعی، روایتی باشد که مثنونه تحصیل درآمد و مثنونه عیال را بر هم عطف نموده است (دلیل شماره پنج)، می‌توانند در مورد فردی که چند شغل دارد ادعا نمایند که از آنجایی که معصوم در روایت، مثنونه تحصیل

۱. وبگاه شهیدی‌پور، تقریر درس خارج خمس، ذیل مسأله ۵۶ عروة الوثقی، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، shahidipoor.ir

۲. شاه‌رودی، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۱۲.

درآمد (مؤنه کسب و کار) را بر مؤنه عیال در یک سیاق واحد عطف نموده است و می‌دانیم که مؤنه تحصیل درآمد در یک شغل نسبت به شغل دیگر، عرفاً متفاوت و مستقل است، پس بعید نیست کسی که چند شغل دارد بتواند برای هر شغل، یک سال خمسی قرار دهد و مؤنه عیالش را نیز بر این سال‌های خمسی متعدد توزیع نماید.^۱

در مقابل، فرد فاقد شغل (کسی که به شکل اتفاقی درآمدی نصیبش می‌شود)، تنها باید از روش استقلالی استفاده کند، ممکن است به دو دلیل باشد: دلیل اول اینکه صاحب این فتوا، دلیل مثبت روش مجموعی را مکاتبه همدانی (دلیل پنجم) می‌داند که مورد آن، فرد واجد شغل است نه همه افراد؛ و از طرف دیگر، دلیل مثبت روش استقلالی نیز مطلق است و هم شاغلین را شامل می‌شود و هم غیر شاغلین را؛ در نتیجه صاحب آن فتوا در شاغلین به تخییر (بین مثبتین هم که تعارضی نیست) و در غیر شاغلین به تعین روش استقلالی باور پیدا کرده است. دلیل دوم هم می‌تواند این باشد که قائلان این دیدگاه، ادله را ظاهر در سال خمسی استقلالی یافته‌اند، لکن با توجه به اینکه عادتاً روش استقلالی غیر ممکن، یا باعث عسرو حرج است، قائل به سال خمسی مجموعی شده‌اند و این عسرو حرج در غیر صاحبان مشاغل که به صورت اتفاقی درآمدی نصیبشان می‌شود، وجود ندارد و لذا باید بین صاحبان مشاغل و دیگران تفصیل قائل شد.

در نقد این دیدگاه باید گفت: اولاً به نظر می‌رسد در اخبار این باب، نکته‌ای وجود ندارد که موجب اطمینان به یک ظهور نسبت به سال خمسی استقلالی یا مجموعی باشد^۲ و مکاتبه همدانی نیز که در ادعای مطرح، ظاهر نیست. ثانیاً اگر بناست که به خاطر عسرو حرج، معیار سال استقلالی کنار گذاشته شود، باید صاحبان مشاغل را مخیر به انتخاب یکی از دو روش نمود، نه اینکه فتوا به لزوم یک طرف داد.^۳

۱. همان، ص ۲۱۶.

۲. اگر مبنای ما در حجیت ظواهر، ظهور اطمینانی شود که به طریق اولی به چنین ظهوری در باب بر نمی‌خوریم!

۳. وبگاه شهیدی‌پور، تقریر درس خارج خمس، ذیل مسأله ۵۶ عروة الوثقی، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲.

نقد و بررسی ادله دیدگاه تخییر بین استقلالی و مجموعی و شغلی

قائلان به این دیدگاه قاعدتاً باید به اطلاق دلیل استثنای مئونه تمسک جستند. وقتی روایات دیدگاه اول و دوم را ظاهر در مدعای قائلان نشان ندانیم، قاعدتاً اطلاق دلیل «الخمس بعد المئونه» محکم خواهد بود. در واقع دلیل استثنای مئونه، صرفاً مئونه زندگی را از خمس مستثنا نموده است و این استثنا، با ادله دیگری که از موضوع مقاله پیش رو خارج است، مقید به «سنة» شده است؛ اما دلیل استثنا، ما را ملزم به هیچ کدام از روش های کسر مئونه نمی کند و لذا هرکدام از روش های مجموعی و استقلالی و شغلی را که مکلف خواست می تواند اعمال نماید.

اما باید در نظر داشت که اولاً وقتی پذیرفتیم که اطلاق دلیل «الخمس بعد المئونه» با هر سه روش سازگار است و شارع ما را در نوع محاسبه آزاد گذاشته است، چرا اطلاق آن با تلفیق بین روش ها سازگار نباشد؟! اینکه مکلف بخشی از اموالش را به یک روش، و بخشی دیگر را به روش دیگر محاسبه کند نیز با اطلاق دلیل مذکور سازگار است.

ثانیاً به عنوان یک نقد مشترک به تمام فتاوایی که روش مجموعی را به عنوان یک مصداق صحیح از کسر مئونه سال می دانند^۱ باید بیان شود که طبق این روش، بعضی موارد قطعاً تحت تخفیف دلیل استثنای مئونه قرار نمی گیرند و در حق آنها قطعاً تخفیف «الخمس بعد المئونه» صادق نخواهد بود. فردی که چند روز مانده به سررسید سال خمس، درآمدی عایدش می شود که این درآمد، نیاز قطعی چندماه آینده اش است و با پرداخت خمس آن قطعاً در آینده نیازمند می شود، طبق روش مجموعی، باید خمس آن درآمد را نیز در همان سررسید سال خمس پرداخت کند که قطعاً از نظر عرف، جزء مئونه او حساب می شود و نتوانسته از تخفیفی که شارع برای او قرار داده است استفاده نماید.

اینکه طبق برخی دیدگاه ها، فرد می توانست از ابتدا روش استقلالی را برگزیند تا گرفتار چنین مشکلی نشود، دلیل نمی شود که اشکال به این فتاوا وارد نباشد؛ چرا که به صرف اینکه

۱. شاید دقیق تر این باشد که بگوییم این اشکال به روش مجموعی با قرائت قائلین به این قول وارد است؛ و الا با تبصره ای بر روش مجموعی، که ذیل دیدگاه برگزیده اشاره خواهد شد، می توان از نقد فوق رهایی یافت. به بیان دیگر این اشکال در اصل به روش مجموعی وارد نیست؛ بلکه به نوع فتوای قائلین به روش مجموعی وارد است و الا قرائتی از روش مجموعی نیز وجود دارد که این اشکال بر آن وارد نباشد.

یک دیدگاه، روش مجموعی را صحیح و به‌عنوان یکی از روش‌های کسر مؤنه معتبر بداند، از ظاهر روایت «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَوْتِ» در برخی موارد تخطی کرده و تخفیف شارع را در حق این مکلفان جاری ننموده است.

دیدگاه برگزیده

با توجه به آنچه در نقد دیدگاه‌های گذشته بیان شد که روایات مورد ادعای دیدگاه اول و دوم، ظاهر در مدعای قائلان نشان نیستند، باید به‌مانند استدلال دیدگاه پنجم، به اطلاق دلیل «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَوْتِ» تمسک کرده و چنین بیان شود که این دلیل صرفاً مؤنه زندگی را از خمس مستثنا نموده است و این استثنا نیز با ادله دیگری صرفاً مقید به «سنة» شده است؛ اما دیگر ما را ملزم به روش خاصی نمی‌کند و با تمام روش‌ها سازگار است. در دیدگاه برگزیده اضافه می‌شود که اطلاق دلیل استثنا، حتی با تلفیق روش‌ها نیز سازگار است. در واقع برخلاف دیدگاه پنجم که سه راه را پیش روی مکلف گذاشته بود، طبق دیدگاه برگزیده، مکلف هم می‌تواند از هر یک از روش‌های مجموعی، استقلالی یا شغلی استفاده کند و هم می‌تواند بخشی از درآمدهای خود را با روش مجموعی، و بخشی دیگر را با روش استقلالی محاسبه نماید. به این ترتیب مکلفی که برای سهولت در محاسبه، روش مجموعی را برگزیده است و در روزهای نزدیک به سال خمسی درآمدی عایدش می‌شود، می‌تواند این درآمد متأخر را به روش استقلالی محاسبه کند و برای آن یک سال خمسی مستقل به مدت یک سال قرار دهد.

قائلان به دیدگاه پنجم نیز اگر واقعاً مستند فتوایشان همین اطلاق یا برائت باشد، قاعدتاً باید اجازه تلفیق روش‌ها را نیز بدهند. اگرچه در کتب فتوایی فقیهان این دسته چنین فتوایی یافت نشد ولی آقای شهیدی، از استادشان محقق تبریزی (به‌عنوان اصلی‌ترین قائل دیدگاه پنجم) نقل می‌کند که ایشان نیز در درس خود قائل به جواز تلفیق روش‌ها بوده است.^۱ البته ذکر این نکته برای حل نقد مذکور برای کسانی که روش مجموعی را صحیح

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. وبگاه شهیدی‌پور، تقریر درس خارج خمس، ذیل مسأله ۵۶ عروة الوثقی، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، shahidipoor.ir

می‌دانند لازم است که هر چیزی که عرفاً به‌عنوان «مئونه سال» مکلف حساب می‌شود، به‌واسطه دلیل استثنای مئونه می‌تواند از محاسبه خمس کسر شود؛ حتی اگر آن چیز، کنارگذاشتن پول برای خرید منزل و جهیزیه باشد که فرد با درآمد یک سال توان تهیه آن را ندارد. این کنارگذاشتن و ذخیره پول، عرفاً جزء مئونه سال فرد حساب می‌شود، اگرچه که تهیه منزل یا جهیزیه در چند سال دیگر اتفاق بیفتد. در مثال یاد شده نیز همین‌طور است؛ در واقع سود متأخری که در روزهای آخر سال خمسی حاصل شده است و مکلف می‌داند در صورت پرداخت خمس آن، در ماه پیش رو محتاج خواهد شد، کنار گذاشتنش عرفاً جزء مئونه سال حاضر فرد حساب می‌شود و نیازی نیست خمس آن حساب شود.^۱

این نکته اخیر، نسبت به تهیه منزل و جهیزیه و چیزهایی که به‌واسطه قیمت بالا از توان خرید سالانه فرد خارج است، در فتاوی برخی فقیهان منعکس شده است، ولی به نظر می‌رسد باید طبق همین استدلال و برای فرار از نقدی که ذیل ادله دیدگاه پنجم بیان شد، همین بیان را درباره ربح متأخر و نزدیک به سال خمسی که فرد قطعاً در صورت پرداخت خمس به آن محتاج خواهد شد نیز پذیرفت.

مقتضای اصل عملی

طبق مبنای آقایان خوئی^۲ و سیستانی^۳ که دلیل استثنای مئونه را تریخص در حکم تکلیفی ادای خمس می‌دانند^۴، با توجه به اینکه دلیل وجوب خمس از ابتدا تمام سودها، غنایم و

۱. البته طبق دیدگاه برگزیده، همان‌طور که بیان شد حتی نیاز به این ملاحظات هم نیست و مکلف می‌تواند برای آن سود متأخر یک سال جداگانه لحاظ نماید.

۲. خوئی، موسوعه الامام الخوئی، ج ۲۵، ص ۲۳.

۳. وبگاه مدرسه فقهات، تقریر خارج فقه آقای محمد تقی شهیدی پور، تقریر جلسه اول آذر ۱۴۰۱، ۲۵/خرداد ۱۴۰۲، eshia.ir.

۴. در خمس یک حکم وضعی وجود دارد که عبارت است از تعلق خمس به یک مال، و یک حکم تکلیفی وجود دارد که عبارت است از وجوب ادای خمس؛ مثلاً مشهور درباره صبی قائلند خمس به مال او تعلق می‌گیرد، ولی چون تکلیف ندارد ادای خمس بر او واجب نیست. در بحث فعلی، مشهور قائلند که عدم تعلق خمس به مئونه، استثنا از حکم وضعی خمس است که همین صحیح به نظر می‌رسد؛ اما به نظر محقق خوئی و محقق سیستانی، عدم تعلق خمس به مئونه، استثنا از حکم تکلیفی خمس است و دلیل استثنای مئونه، مخصص حکم تکلیفی خمس است، نه حکم وضعی.

حتی مئونه را شامل شده است، در صورت شک باید احتیاط نمود؛ اما طبق مبنای مشهور که عدم تعلق خمس را به مئونه، استثنای از حکم وضعی خمس می‌دانند، از اساس دلیل وجوب خمس شامل مئونه نمی‌شود؛ پس در صورت شک می‌توان برائت از وجوب خمس جاری نمود.

برای توضیح بیشتر باید روند را اینگونه ترسیم نمود که در مرحله اول، آیه وجوب خمس به‌عنوان یک عام قرآنی وجود دارد که ما فرض گرفته‌ایم مطلق غنایم و فواید را شامل شده است. در مرحله دوم یک دلیل روایی وجود دارد که مئونه را از خمس استثنا کرده و می‌فرماید «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَوْتَةِ». و نهایتاً در مرحله سوم یک اجماع و دلیل لیبی وجود دارد که بازه زمانی استثنای مئونه را «سنه» معرفی می‌کند. اکنون در کیفیت این «سنه» شک شده است که آیا با روش مجموعی باید محاسبه شود یا با روش استقلالی؟ پس در واقع در مرحله سوم شک نموده‌ایم. در چنین شرایطی سه احتمال وجود دارد که هر سه به برائت یا نتیجه برائت می‌رسند:

۱. اگر معقد اجماع مطلق باشد و هر دو مدل سنه و تخییر و تلفیق بین آن دو را شامل شود که نتیجه روشن است و مکلف بین یکی از دو روش و حتی تلفیق روش‌ها معیّر است، و نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

۲. اگر معقد اجماع نسبت به نوع سنه از لحاظ استقلالی و مجموعی مجمل باشد و نتوان از آن اطلاق گرفت، از آنجاکه مخصص منفصل است و اجمالش به دلیل فوقانی سرایت نمی‌کند، به دلیل استثنای مئونه که دلیل فوقانی است مراجعه نموده و نتیجه مثل مورد اول می‌شود.

۳. اما اگر اساساً اجماع ما از یک ارتکاز در زمان صدور کشف کند، که براساس آن، لفظ مئونه در زمان صدور روایت، منصرف به مئونه سنه بوده، و از آن مئونه سنه فهمیده می‌شده است، در این صورت دیگر دلیل استثنای مئونه مجمل می‌شود. در اینجا عام فوقانی، آیه وجوب خمس است که بنا بر فرض، تمام سودها را شامل شده است. اما باید بررسی شود که آیا رابطه بین اطراف شبهه مفهومی در اینجا اقل و اکثر است یا تباین؟ اگر اقل و اکثر باشد، مشهور، اجمال را به عام فوقانی سرایت نمی‌دهند و براساس عام فوقانی، یعنی آیه خمس،

مؤنه‌ها فقط در قدر متیقن که روش موافق احتیاط است استثنا می‌شوند. ولی چنانچه در قسمت ثمره دیدگاه‌ها توضیح داده شد، اینگونه نیست که یکی از دو روش مطابق احتیاط، و رابطه آنها اقل و اکثر باشد، بلکه هرکدام از روش‌ها یک جهت افتراق مختص به خود دارند؛ پس همان‌گونه که اصولیان در چنین مواردی بیان داشته‌اند،^۱ دیگر نمی‌توان از عام فوقانی استفاده نمود و باید به سراغ اصل عملی رفت که در اینجا برائت است.

ممکن است اشکال شود^۲ که مقتضای اصل عملی در مقام، احتیاط است نه برائت؛ چراکه علم اجمالی بین دو روش مجموعی و استقلالی وجود دارد و حتی اگر جزم به یک روش پیدا نکنیم، باید قائل به روشی شویم که مستلزم احتیاط بین دو روش است. ولی از توضیحات مطرح شده روشن شد که وقتی ادله دیدگاه اول و دوم را ظاهر در دو روش مجموعی و استقلالی ندانیم، علم اجمالی‌ای نیز وجود ندارد و ثبوتاً ممکن است تخییر بین دو روش یا تلفیق بین آنها هم مورد جواز شارع بوده باشد. ادعای اجماع مرکب نسبت به این دو دیدگاه نیز ادعایی غیرقابل دفاع است؛ چراکه مقدمانی که اجماعشان فایده دارد، اساساً به این فرع نپرداخته‌اند؛ چه رسد که اجماع بر آن داشته باشند. مضافاً که حتی در بین متأخران نیز چنین اجماعی وجود ندارد و برخی^۳ قائل به طریقه سوم، یعنی محاسبه سال خمسی براساس شغل شده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مسئله تعیین سال خمسی از لحاظ تعدد و وحدت، سه دیدگاه کلان وجود دارد؛ سال مجموعی، سال استقلالی و تخییر، که با زیرمجموعه‌های دیدگاه سوم، حداقل پنج دیدگاه می‌شود. طبق دیدگاه اول باید برای همه درآمدها یک سال خمسی معین نمود. در مقابل براساس دیدگاه دوم باید برای هر سود و درآمد، مستقلاً یک سال خمسی مشخص کرد.

۱. در چنین مواردی اصطلاحاً گفته می‌شود اجمال خاص حقیقتاً به عام سرایت نکرده؛ اما حکماً سرایت کرده است و توان به عام تمسک نمود.

۲. وبگاه شهیدی‌پور، تقریر درس خارج خمس، ذیل مسأله ۵۶ عروة الوثقی، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، shahidipoor.ir

۳. تمام قائلین به دیدگاه چهارم و کسانی که در مقدمه همان دیدگاه مورد اشاره قرار گرفتند.

دیدگاه سوم جواز تخییر بین دو دیدگاه سابق است. دیدگاه چهارم تفصیلی است بین صاحبان مشاغل و فاقدان شغل که به صورت اتفاقی درآمدی به دست می‌آورند؛ که براساس آن، فرد صاحب شغل بین روش مجموعی یا شغلی مخیر است و فرد فاقد شغل، برای هر درآمد، یک سال مستقل لحاظ می‌کند؛ حال این فرد غیرشاغل یا تعیناً و یا تخییراً از روش استقلالی استفاده می‌کند. براساس دیدگاه پنجم هم مکلف هرکدام از روش‌های مجموعی، استقلالی و یا شغلی را می‌تواند پیش گیرد. نهایتاً در دیدگاه برگزیده، دلیل قائلان به دیدگاه پنجم، اجمالاً پذیرفته شد؛ البته باید به این نکته توجه داشت که لازمه این دلیل، تخییر کلی است نه تخییر بین سه روش؛ به عبارت دیگر مکلف، هم می‌تواند یکی از روش‌ها را اختیار نماید و هم می‌تواند روش‌ها را با هم تلفیق کند.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی الگلپایگانی)، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۹۳ق.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۳. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهيدة، ۱۴۲۷ق.
۴. _____، منهاج الصالحین (للتبریزی)، قم: مجمع الإمام المهدي علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۵. حائری، کاظم حسینی، فتاوی فی الأموال العامة، قم: دفتر حضرت آیه الله حائری، ۱۴۲۶ق.
۶. حکیم، محسن طباطبایی، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۷. خلخالی، سید محمد مهدی موسوی، فقه الشیعة - کتاب الخمس والأطفال، قم: دار البشیر، چ ۱، ۱۴۲۷ق.
۸. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتانات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۴۲۲ق.
۹. _____، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چ ۱، [بی تا].
۱۰. _____، توضیح المسائل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۱۱. _____، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.

۱. طبق فتاوی امام خمینی.

۲. طبق فتاوی آیت الله سیستانی.

۱۲. سیستانی، علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، قم: دفتر حضرت آية الله سیستانی، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۱۳. شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۴. _____، کتاب الخمس، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ق.
۱۵. شبیری زنجانی، سید موسی، تقرير درس خارج خمس، موجود در نرم افزار مجموعه آثار آیت الله شبیری زنجانی.
۱۶. شیرازی، ناصر مکارم، أنوار الفقاهة - کتاب الخمس و الأنفال (لمکارم)، قم: انتشارات مدرسة الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
۱۷. عاملی، حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
۱۸. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۷ق.
۱۹. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحسني - کلاتر)، قم: کتابفروشی داوری، ج ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۰. _____، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ج ۱، ۱۴۱۳ق.
۲۱. عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۱۱ق.
۲۲. فیاض کابلی، محمد اسحاق فیاض، منهاج الصالحین (للفیاض)، قم: مکتب سماحة آية الله العظمی الحاج الشیخ محمد اسحاق فیاض، [بی تا].
۲۳. قمی، صادق حسینی روحانی، منهاج الصالحین (لروحانی)، بیروت: دار بلال للطباعة و النشر، ۱۴۳۵ق.
۲۴. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافي (ط - الإسلامية)، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۵. کیخا، محمدرضا؛ قادری، محمد علی؛ نقد و تحلیل دیدگاه مشهور در تعیین سال خمسی و دوره زمانی کسر مؤنه از ریح، فقه و اصول (مطالعات اسلامی)، شماره ۱۱۹، زمستان ۱۳۹۸.
۲۶. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء (ط - الحديثة)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۴۲۲ق.
۲۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ج ۷، ۱۴۰۴ق.
۲۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۱۵ق.

۲۹. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام، چ ۹، ۱۴۲۸ق.
۳۰. وبگاه اطلاع رسانی استاد شهیدی پور، تقریر درس خارج خمس (مقرر: حیدری)، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، shahidipoor.ir.
۳۱. وبگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، احکام خمس، خرداد ۱۴۰۲، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، sistani.org.
۳۲. وبگاه اطلاع رسانی مدرسه فقهت، تقریر خارج فقه استاد محمد تقی شهیدی پور، ۲۵/خرداد/۱۴۰۲، eshia.ir.
۳۳. یزدی، محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۳۴. _____، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۳۵. _____، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۸ق.

